

بررسی عوامل انگیزشی و نگرشی موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان

مرضیه آزادی

کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، گرایش مدیریت آموزشی

چکیده

پیشگیری عمل تفکر و یادگیری در انسان از یک سو و دشواری طبیعی مفاهیم، مهارت‌ها و استدلال‌هایی وجود دارد، از سوی دیگر و همچنین ناکارآمدی برخی از معلمان، شفاف نبودن هدف‌های آموزشی و عوامل دیگری چون رغبت و انگیزه‌ی یادگیرندگان، موجب ناکامی بسیاری از فراگیران در کسب نتایج مطلوب در دروس و در نتیجه بی‌زاری و سردی آنان می‌شود. بر همین اساس هدف از این مقاله بررسی عوامل انگیزشی و نگرشی موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان می‌باشد. این مقاله از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای و اطلاعات نویسنده جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داد که همان‌طور که معلمان برای ارتقای انگیزش درونی دانش آموزان به منظور یادگیری موضوع‌های درسی آنها تلاش می‌کنند، باید به مشوق‌های یادگیری آنها نیز توجه کنند. به عبارت دیگر، هر موضوعی به طور ذاتی برای دانش آموزان جالب نیست و باید برای انجام دادن کارهای دشوار که تسلط بر آنها ضروری است برانگیخته شوند. پس، انگیزش، مهمترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش آموز، ویژگی‌های تکالیف، مشوق‌ها و سایر عوامل محیطی مربوط است

واژه‌های کلیدی: عوامل انگیزشی، عوامل نگرشی، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

انگیزش دغدغه اصلی اکثر معلمان و همچنین مدیران است. مساله انگیزش تنها منحصر به بخش تعلیم و تربیت نیست، بلکه موضوع مهم عرصه‌های روان‌شناسی، مدیریت، سلامت و بخش‌های دیگر اجتماعی اقتصادی نیز می‌باشد. در حقیقت، جایگاه و نقش نظام‌های تعلیم و تربیت در تربیت نیروی انسانی علاقه مند، مسئولیت پذیر، پژوهنده و کارآمد برای سازمان‌های اجتماعی و پرورش شهروندانی شایسته برای جامعه اهمیت انگیزش را در آن نظام‌ها برجسته‌تر و بنیادی‌تر می‌نماید.

بر اساس تفاوت‌های درون فردی، توانایی دانش‌آموزان برای یادگیری دروس مختلف متفاوت است. به این معنی که برخی درس‌ها را بهتر از دروس دیگر می‌آموزند. در این میان دروسی هم هستند که از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا موفقیت دانش‌آموزان در این درس‌ها تا حدود زیادی بر سرنوشت تحصیلی آنان تاثیر دارد. مشاهدات نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان بر عدم پیشرفت تحصیلی اقرار می‌کنند و حتی برای فرار از آن به تلاش زیادی روی می‌آورند. عواملی مانند طرز تلقی دانش‌آموز، برداشت والدین، برداشت دوستان، سابقه شکست و بسیاری از عوامل دیگر می‌توانند در میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موثر باش (کریم زاده، ۱۳۸۰).

پیچیدگی عمل تفکر و یادگیری در انسان از یک سو و دشواری طبیعی مفاهیم، مهارت‌ها و استدلال‌هایی وجود دارد، از سوی دیگر و همچنین ناکارآمدی برخی از معلمان، شفاف نبودن هدف‌های آموزشی و عوامل دیگری چون رغبت و انگیزه‌ی یادگیرندگان، موجب ناکامی بسیاری از فراگیران در کسب نتایج مطلوب در دروس و در نتیجه بیزاری و سردی آنان نسبت به این درس‌ها می‌شود. بنابراین، شناخت نگرش‌های متفاوت به مقوله‌های آموزشی یادگیری سنجش رفتار و پرداختن به آنها، از اهمیت خاصی برخوردار است. (باسی، ۲۰۰۶).

بین نگرش و یادگیری تعامل وجود دارد. یادگیری‌های اشخاص می‌تواند بر نگرش‌ها و نگرش‌ها می‌تواند روی یادگیری‌های آنها تاثیر بگذارند. بنابراین گاهی تفاوت‌های موجود در رفتارهای آموخته شده، به باورها و برداشت‌های افراد بر می‌گردد (دونک و ولکیت، ۱۹۸۸). نگرش‌های مختلف ریشه در عوامل گوناگونی دارند تلاش این پژوهش این است که هر بیشتر از این عوامل را مورد مطالعه قرار دهد. مجموعه عوامل نگرشی که بر انگیزه پیشرفت دانش‌آموز تاثیر می‌گذارند باورهای انگیزشی نام گرفته‌اند.

مبانی نظری

نگرش معلم:

نگرش معلم بر عملکرد وی تاثیر دارد پژوهشگران در یک تحقیق یک کلاس عادی را به معلمی واگذار نمودند و به او یادآور شدند که این دانش‌آموزان از استعدادهای خوبی برخوردارند در پایان سال عملکرد

1- Bassey, B. A

2- Dweck, C. S. Leggett, E. L

آنها نسبت به گروه همسان بهتر شده بود. این بدین معنی است که اگر معلم نگرش مثبتی بر کلاس داشته باشد با برخوردهای امید بخش بهتر می تواند در تعلیم و تربیت آنها پیشروی نماید.

انگیزش و انگیزه

از اصطلاح انگیزش تعریف های مختلفی به عمل آمده است. یکی از جامع ترین آنها تعریف زیر است: انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته می شود. انگیزه به صورت خواست یا نیز ویژه ای که انگیزش را موجب می شود، تعریف شده است. انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار برده می شوند. با این حال می توان انگیزه را دقیقتر از انگیزش دانست. به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد. مثلاً وقتی که می پرسیم چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد، به دنبال انگیزه او هستیم. اصطلاح انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می رود راسل (۱۹۷۱) در این باره می گوید: انگیزه برای مشخص کردن قصد یا بازده دلخواه یک رفتار به کار می رود. پس کاربرد اصطلاح انیزه برای حیوانات جایز نمی باشد.

انگیزش در هر نگره تربیتی مفهومی ریشه ای دارد. هنگامی که در نظام تربیتی شکستی رخ می دهد غالباً انگیزش نکوهیده می شود. چنانچه کودکان بومی استرالیای مرکزی و یا کودکان سیاه پوست محروم آمریکایی نتوانند در مدرسه، به خوبی از عهده آن بر آیند، بسیاری از معلمانشان انگشت روی انگیزه ضعیف آنان می گذارند و زمینه خانوادگی آنان را مسئول آموزش آن می دانند. والدین این قصور را بر گردن نمی گیرند و می گویند که شکست بر آیند تدریس بد است. بدان معنا که هیچ قصوری در زمینه خانوادگی وجود ندارد و معلم خوب باید بتواند دانش آموزان را برانگیزد (مسدد، ۱۳۷۳).

از لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوع های علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند، از این رو تمام برنامه های درسی که برای آنها فعالیت های مربوط به جنبه های عاطفی در نظر گرفته شده است دارای هدف های انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی روانی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. اگر دانش آموزان و دانشجویان نسبت به درس بی علاقه باشند به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد، تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس علاقمند باشند، هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد، هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت، و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد (سیف، ۱۳۸۷).

اهمیت و معنای انگیزش

انگیزش مهمترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش آموز، ویژگی های تکالیف، مشوق ها و سایر عوامل محیطی مربوط می شود. چه عواملی باعث می شود که برانگیزش دانش آموزان (به دلیل آثار بلندمدت آن در یادگیری و خود باروری در دانش آموزان) برای والدین و معلمان با ارزش باشد. دانش آموزان با انگیزه به راحتی شناخته می شوند. آنها به یادگیری اشتیاق داشته، علاقمند، کنجکاو، سختکوش و جدی هستند. این دانش آموزان به راحتی موانع و مشکلات را از پیش پای خود برمی دارند، زمان بیشتری برای مطالعه و انجام تکالیف مدرسه صرف می کنند، مطالب بیشتری می آموزند و پس از پایان دوره دبیرستان به تحصیلات ادامه می دهند. انگیزش را می توان به عنوان یک فرایند مداخله کننده با یک حالت درونی جاندار دانست که او را وادار یا ترغیب به عمل می کند به عبارتی دیگر می توان گفت انگیزش نیرویی است که به رفتار نیرو می دهد و آن را هدایت می کند. همانگونه که یک نیرو اشیاء را به حرکت درمی آورد، انگیزش نیز شخص را به حرکت درآورد.

– انگیزش عمومی و انگیزش اختصاصی برای یادگیری.

– انگیزش در دو سطح قابل بررسی است، عمومی و اختصاصی.

– انگیزش عمومی برای یادگیری

گرایشی بادوام و گسترده برای تلاش در جهت کسب دانش و تسلط بر مهارت های مربوط به یادگیری است (بروفی، ۱۹۸۷). جنبه با دوام بودن بسیار مهم است زیرا انگیزش عمومی وقتی ایجاد شد، در تمام دوره مدرسه، دانشگاه، محیط کار و موقعیت های زندگی واقعی ادامه خواهد یافت. ویژگی گسترده نیز حائز اهمیت است زیرا انگیزش عمومی نقش میانبر زدن را در برنامه درسی دارد. و هر چند ممکن است از یک کلاس تا کلاس دیگر متفاوت باشد انگیزش مثبت نوعا فراتر از یک موضوع کلاسی خاص است.

انگیزش اختصاصی برای یادگیری

به یادگیری یک درس خاص از سوی دانش آموز نیرو می دهد و معمولا وابسته به عوامل بیرونی است. تفاوت این دو نوع انگیزش در این است که انگیزش عمومی در درون دانش آموز است و حاصل تاریخچه درازی از تجربیات او با درسه و کلاس است، اما انگیزش اختصاصی بیشتر بستگی به معلم و محتوای درس دارد. این انگیزه بیشتر در کنترل معلم است، و می تواند آن را با به کار بردن راهبردهای خاصی تغییر دهد. انگیزش عمومی، اگر چه غیرقابل تغییر نیست، وقت و تلاش بیشتری می طلبد تا تغییر کند (کریمی، ۱۳۸۷).

نقش انگیزش و نگرش در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و یادگیری آن‌ها

انگیزش مهمترین عامل رفتارهای گوناگون و درحقیقت نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت‌دهنده آنهاست. می‌توان اهمیت انگیزش را در یادگیری اینگونه بیان داشت که اگر دانش‌آموز نسبت به دروس بی‌علاقه باشند و یا از سطح پایین انگیزش برخوردار باشند به توضیحات و درس معلم توجه نمی‌کنند، تکالیف خود را با جدیت انجام نمی‌دهند و در دروس خود پیشرفت چندانی بدست نمی‌آورند. بالعکس اگر دانش‌آموزان به مطالب درسی علاقمند باشند یا دارای سطح بالایی از انگیزش باشند، هم به توضیحات معلم با دقت گوش داده و تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد و هم به دنبال کسب و جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در زمینه مطالب درسی خواهند رفت و متعاقب آن پیشرفت خواهند کرد. معلم با استفاده از تدابیر آموزشی می‌تواند بعد از ایجاد توجه و دقت در دانش‌آموزان آن رادرسطح مطلوب حفظ نماید. اگر دانش‌آموز معتقد باشد که در گذشته، در یادگیری مطالب مشابه با مطالب جدید موفق بوده است با علاقمندی و دقت به مطالب جدید گوش فراداده و آنها را می‌آموزد، اما اگر به این اعتقاد رسیده باشد که یادگیری مطالب جدید نیز مانند یادگیری مطالب مشابه در گذشته منجر به شکست خواهد شد، نسبت به یادگیری آن مطلب از خود علاقه نشان نخواهد داد.

اگر تجارب دانش‌آموز از محیط مدرسه خصوصاً در سال‌های نخست تحصیلی حاکی از وجود شایستگی و لیاقت در مدرسه باشد، تجارب احساس موفقیت و افزایش اعتماد به نفس در سال‌های آتی نیز تکرار خواهد شد. چنین فردی قادر خواهد بود باتکیه بر این تجارب موفقیت‌آمیز در حین تحصیل آن را به زندگی واقعی خود تعمیم دهد و بدون تحمل سختی بر بحران‌ها، فشارها و استرس‌های شدید در زندگی غلبه کند (سیف، ۱۳۷۶).

بسیاری از معلمان در تلاش برای برانگیختن حس سخت کوششی دانش‌آموزان ناکامی‌هایی را تجربه می‌کنند که ناشی از واقعیت‌هایی چون کمبود وقت، زیادی تعدادی دانش‌آموزان دارای نیازهای هیجانی و یادگیری، احساس مسئولیت در قبال خواسته‌های مسئولان مدرسه و والدین و سایر موقعیت‌های ایجادکننده فشار روانی است که در اکثر مدارس وجود دارد. کوشش‌های متکی بر شهود و آموزش منسوخ، اغلب در رویارویی با موقعیت‌های دشوار یک دانش‌آموز، همانند موقعیت‌هایی که والدین در بزرگ کردن بچه با آن رو به رو هستند، به سرعت شکست می‌خورد. تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می‌شود. هر کاری که تقریباً معلمان در کلاس انجام می‌دهند، از جمله نحوه ارائه اطلاعات، نوع تمرین‌های مورد استفاده، شیوه تعامل با دانش‌آموزان و فرصت‌هایی که به دانش‌آموزان برای تمرین انفرادی یا گروهی، اثر انگیزشی بر روی دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزان بر اساس اینکه شما (چه کسی) هستید، (چه کاری) انجام می‌دهید و با توجه به میزان آرامشی که در کلاس شما احساس می‌کنند، به شما واکنش نشان می‌دهند. با وجود این

اثرات انگیزشی متعدد، معلمان ابزار کمی برای درک انگیزش و نحوه افزایش آن در دانش‌آموزان خود دارند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲).

پیشینه

دهستانی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی‌ها عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد عوامل مختلفی چون خود پنداره دانش‌آموزان، سبک‌های فرزند پروری، میزان مشارکت والدین در امر تحصیل بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان اثر دارد. حسن زاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین جهت‌گیری‌های انگیزشی (درونی، بیرونی و بی‌انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین انگیزش درونی و مؤلفه‌های آن، با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد. بین انگیزش بیرونی و مؤلفه‌های آن، با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه‌ی مثبت بسیار ضعیفی وجود دارد. بین جهت‌گیری بی‌انگیزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد. انگیزش درونی بیشترین سهم را در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی برعهده دارد. در این تحقیق، چند استراتژی آموزشی و تربیتی نیز به معلمان زبان به منظور افزایش انگیزش در دانش‌آموزان و سوق دادن آنها به سمت درونی شدن انگیزش‌ها، پیشنهاد شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد همانطور که معلمان برای ارتقای انگیزش درونی دانش‌آموزان به منظور یادگیری موضوع‌های درسی آنها تلاش می‌کنند، باید به مشوق‌های یادگیری آنها نیز توجه کنند. به عبارت دیگر، هر موضوعی به طور ذاتی برای دانش‌آموزان جالب نیست و باید برای انجام دادن کارهای دشوار که تسلط بر آنها ضروری است برانگیخته شوند. پس، انگیزش، مهمترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش‌آموز، ویژگی‌های تکالیف، مشوق‌ها و سایر عوامل محیطی مربوط است. استفاده از این مشوق‌ها می‌تواند به این امر کمک کند:

- * داشتن انتظارات مشخص از دانش‌آموزان - دانش‌آموزان به دانستن دقیق آنچه از آنها انتظار می‌رود نیازمندند. فراگیران باید بدانند چگونه ارزیابی می‌شوند و موفقیت آنها چه پیامدهایی دارد.
- * صراحت بازخورد - شرط بسیار مهم دیگر در ایجاد انگیزش این است که بازخورد باید مستقیم به عملکرد دانش‌آموز مربوط باشد و تا حد امکان بعد از عملکرد دانش‌آموز روی دهد.
- * فوریت در بازخورد - بازخورد سریع به پاسخ نیز بسیار مهم است. اگر دانش‌آموز امتحانی در روز اول هفته داده باشد و تا آخر هفته، هیچ بازخوردی در آن مورد دریافت نکند، به احتمال زیاد از ارزش اطلاعاتی و انگیزشی بازخورد کاسته خواهد شد.

* فراوانی ارزشیابی بازخورد و پاداش - بازخوردها و پاداش‌ها باید به طور مداوم به منظور جلوگیری از کاهش میزان تلاش دانش آموزان به آنان ارائه شود.

* حمایت از تبادل اندیشه در محیطی امن - محیط امن برای یادگیری محیطی است که در آن، اشتباه جایزه شمرده و پاسخ‌های ناتمام نیز پذیرفته می‌شود. در کلاسی که مهارت‌های تفکر آموزش داده می‌شود تمام دانش آموزان به اشکال مختلف در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کنند و دانش آموزان احساس خجالت یا ترس نمی‌کنند.

* پاداش دادن به تلاش و پیشرفت - همان طور که از نظریه‌های اسناد برمی آید، بازخوردهای کلاس درس باید بر تلاش متمرکز باشد نه بر توانایی دانش آموزان. در این شرایط باید انتظار پیشرفت بیشتری داشت و به موفقیت دانش آموز امیدوار بود.

فراهم آوردن قابلیت پیش‌بینی برای دانش آموزان - کلاس درس باید شرایطی فراهم کند که دانش آموزان بتوانند رویدادها و نتایج فعالیت‌های خودشان را تا حدودی پیش‌بینی کنند. هر قدر شرایط، غیرقابل پیش‌بینی و رویه‌ها نامشخص باشد، از میزان برانگیختگی دانش آموزان کاسته می‌شود و دانش آموزان احساس ناامنی و اضطراب بیشتری می‌کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- باربارامک کومبزجیمز پاپ (۱۳۸۲)، ترجمه: دکتر ابراهیمی قوام، صغری؛ رهیافت‌ها و راهکارهای عملی برای معلمان، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۲.
- دیوراجی، استیک (۱۳۸۵). ترجمه: حسن‌زاده، رمضان و عمویی، نرجس؛ انگیزش برای یادگیری (از نظریه تا عمل)، انتشارات دنیای پژوهش، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵.
- ساموئل بال (۱۳۷۳)، ترجمه: دکتر مسدد، سید علی اصغر؛ انگیزش در آموزش و پرورش، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۷۳.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش)، ویرایش ششم، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۷.
- دهستانی اردکانی؛ فاطمه، منصوری؛ سیروس، رضاپور میر صالح؛ یاسر. (۱۳۹۵). عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان، اولین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۹۵
- حسن‌زاده، رمضان، مهدی نژاد کرجی؛ گلین. (۱۳۹۳)، رابطه بین جهت‌گیری‌های انگیزشی (درونی، بیرونی و بی‌انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی، روانشناسی مدرسه، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۳۸-۶۰.
- کریم‌زاده، منصور (۱۳۸۰). بررسی رابطه مفهوم خود (تحصیلی و غیرتحصیلی) و خودکارآمدی با پیشرفت ریاضی در دانش‌آموزان دختر شهر تهران (گرایش‌های فیزیک).
- کدیور، پروین، (۱۳۸۶). روانشناسی تربیتی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
- کریمی، یوسف، (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی، انتشارات ارسباران، تهران، ۱۳۸۷.

___ Dweck, C. S. ,& Leggett , E. L. (1988) A Social –cognitive approach and Personality. Psychological review , 95, 256-273.

___ Bassey, B. A. (2006). Students' Evaluation of Instruction, Attitude Towards Mathematics And Mathematics Achievement of SS3 Students In Southern Cross River State. Unpublished Masters' degree Thesis, Faculty of Education, University of Calabar, Calabar, Nigeria.